

به برخورداری یا برخوردار نبودن گروه‌های غیردولتی مسلح از شخصیت حقوقی جای خود را به زمینه‌مندی شخصیت حقوقی این گروه‌ها تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌دهد؛ اگرچه این زمینه‌مندی تجربی و سیاسی تنها به واسطه تأییدپذیری از معیارهای حقوقی تعیین‌کننده خواهد بود. این معیارهای حقوقی که به واقع نقش صافی شخصیت‌بخشی داشته یکی طبقه‌بندی منازعات بوده و دیگری کنترل سراسری که خود تعیین‌بخش به طبقه‌بندی منازعات نیز هست.

بر این اساس، شخصیت حقوقی گروه‌های غیردولتی مسلح در منازعه عراق و سوریه در فازهای مختلف نسبی و سیال است و آن به واسطه طبقه‌بندی منازعات تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، اما معیار کنترل سراسری، در صورت آزمون‌پذیری تجربی زمینه منازعه، امری است که با افزایش دقت نظر در انتسابات می‌تواند بازطبقه‌بندی منازعات و به تبع شخصیت حقوقی گروه‌های غیردولتی مسلح را در فازهای مختلف منازعات مسلحانه سبب شود. دستاورد این پژوهش این است که ضمن طرح سیالیت شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حالات محتمل و متغیر آن را در تناظر با معیار کنترل سراسری بررسی و تحلیل کرده است، اما اطلاق در این زمینه را به پژوهش‌های آتی وامی‌گذارد، و از این رو می‌تواند دستورکارهای پژوهشی چندی در بر داشته باشد. لذا دستاورد دیگر پژوهش، قابلیت استنتاج دستورکارهای پژوهشی بینارشته‌ای چند از آن است که به تدقیق فزاینده شخصیت حقوقی گروه‌های غیردولتی مسلح تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی تعیین می‌بخشد. این دستاوردها مؤید مفید بودن رویکرد بینارشته‌ای، بین روابط بین‌الملل به‌عنوان مدخل، و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌عنوان واسط است.